

والدین و کودک سازگار شدن را، با هم یاد بگیریم

جان ای. لاجمن، تامی دی. باری، و داستین آ. پاردینی
ترجمه: دکتر ملوک خادمی

چهارم می‌توانند مهارت‌های ارائه شده در برنامه برای کودکان را تقویت کنند. هر ملاقات شامل ترکیبی از اطلاعات آموزشی در مورد موضوع آن روز، و مسئله‌گشایی آموزگار دربارهی آن موضوع است. محتوای آموزشی، برای ارتقای پیوند کودکان با مدرسه و همسالان، به منظور پیشگیری اولیه از رفتار ضداجتماعی و افزایش پیوند خانه با مدرسه طراحی شده است.

راهنمایی‌های لازم برای اجرای برنامه‌ی کنار آمدن باخشم را می‌توان در کارهای لاجمن و همکارانش (۱۹۹۹) و در کارهای لاجمن و لارسن (۲۰۰۲) جست‌وجو کرد. راهنمایی‌های لازم برای اجرای برنامه‌ی قدرت‌سازگاری نیز، برای انتشار آماده شده است.

مستندات مربوط به اثرات درمان

برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، در دو مطالعه‌ی ارزیابی شده که شامل گمارش تصادفی کودکان به یک شرایط کنار آمدن با خشم، و به یک شرایط کنترل غیردرمانی بوده است [لاچمن، بارچ، کری، و لامپورن، ۱۹۸۴؛ لاجمن، لامپورن، جرمن، هریس، و ویگاند، ۱۹۸۹]. مطالعه‌ی دیگری، دو نسخه از برنامه را مقایسه کرده است [لاچمن و کری، ۱۹۸۸]. یک مطالعه از طراحی شبه آزمایشی برای مقایسه‌ی درجات متفاوت درمانی برنامه استفاده کرده است [لاچمن، ۱۹۸۵]. دو مطالعه نیز، بی‌گیری اثرات برنامه را از آزمون کرده‌اند [لاچمن، ۱۹۹۲، لاجمن و لامپورن، ۱۹۸۸]. و یک مطالعه، متغیرهای میانجی را [لاچمن، لامپورن، بارچ و کری، ۱۹۸۵] آزمون کرده است. گونه‌های اخیرتر تحقیقاتی، برنامه‌ی کنار آمدن با خشم را با طرح‌های تصادفی شامل برنامه‌ی روابط اجتماعی [لاچمن، کوک، اندروود، و نری، ۱۹۹۲] و برنامه‌ی قدرت‌سازگاری [لاچمن و ولز، ۲۰۰۲]. مطالعه کرده‌اند. اثرات درمانی برنامه در مطالعات گوناگون و براساس فهرست‌های رفتاری تکمیل شده به وسیله معلمان و والدین، به‌وسیله مشاهدات رفتاری و رفتارهای کودکان در کلاس درس، به‌وسیلهی درجه‌بندی‌های جامعه‌سنجی همسالان، و به‌وسیلهی اندازه‌گیری‌های فرایندهای ارتباطی والدین و کودکان، ارزیابی شده‌اند. در ادامه، بر نتایج این مطالعات مروری خواهیم داشت.

یک مطالعه‌ی کنترل شده در مورد برنامه‌ی کنترل خشم در آموزشگاه برای ۱۲ کودک پرخاشگر (۱۱ پسر و یک دختر) در پایه‌های دوم و سوم (دامنه‌ی سنی ۷-۸ سالگی)، کاهش معناداری را پس از درمان، در رفتار پرخاشگرانه‌ی گزارش شده توسط معلمان، و نیز روند کاهش درجه‌بندی فهرست معلمان از رفتار بیرونی، نشان داد [لاچمن و همکاران، ۱۹۸۱]. این پیشرفت‌ها در کنترل رفتار پرخاشگرانه‌ی کودکان، با افزایش درجه‌بندی‌های روزانه‌ی معلمان از

برنامه‌ی قدرت‌سازگاری، طرح گسترش‌یافته‌ی برنامه‌ی کنار آمدن با خشم است و شامل ۲۳ جلسه با کودک برای بیش از یک دوره‌ی ۱۵ ماهه، و ۱۶ جلسه با حضور والدین برای دوره‌ی زمانی مشابه است. جلسات اضافی گروهی، کودک را در سایر زمینه‌های مشکل آفرین که مرتبط با پرخاشگری در کودکان است، به کمک مهارت‌هایی از قبیل آگامسازی هیجانی پیشرفته، آموزش آرمیدگی، و اتخاذ اهداف شخصی و اجتماعی مثبت تحت پوشش قرار می‌دهند [لاچمن و ولز، ۱۹۹۹]. لاجمن، والز و مورای، زیر چاپ]. همچنین، جلسات اضافی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی، شامل روش‌های ورود به گروه‌های جدید همسالان، و استفاده از شبکه‌های همسالان مثبت (متمرکز بر مذاکرات و تعاون در خلال تعاملات ساختار یافته و غیر ساختار یافته با همسالان) و کنار آمدن با فشار همسالان متمرکزند. جلسات گروهی، با ملاقات‌های فردی منظم (حداًقل ماهانه)، به منظور کمک به تمهیم مهارت‌ها، تقویت می‌شوند.

جلسات گروهی والدین به‌منظور استفاده از فنون یادگیری اجتماعی، از قبیل تعیین اهداف رفتاری مخرب و بدوی برای این که کودکان از اصطلاحات عملیاتی ویژه‌ی پاداش و توجه به رفتارهای کودکی مناسب، دادن آموزش‌های مؤثر و برقراری قواعد منطبق بر سن و انتظارات در خانه، و به کارگیری پیامدهای مؤثر برای رفتارهای کودکی منفی نشان می‌دهد استفاده کنند [لاچمن و ولز، ۱۹۹۶؛ لاجمن و همکاران، زیر چاپ]. والدین همچنین راه‌هایی را برای مدیریت رفتار کودک خارج از خانه می‌آموزند و ساختارهای ارتباطی خانوادگی ملوممی را از قبیل ملاقات‌های خانوادگی هفتگی برقرار می‌سازند.

علاوه بر این موارد والدین می‌آموزند که چگونه از مهارت‌های مسئله‌گشایی و شناختی اجتماعی که کودکانشان در کودکی یاد گرفته‌اند، حمایت کنند. برای مثال، والدین فنونی را برای مدیریت تعارضات برادر و خواهر در خانه می‌آموزند و مدل مسئله‌گشایی را برای مسئله‌گشایی‌های خانوادگی، هم‌زمان با برقراری ساختار حمایتی تکالیف خانه و تقویت مهارت‌های سازمان‌دهی انجام تکالیف خانه، به کار می‌برند. در نهایت، برنامه‌ی آموزش والدین شامل جلساتی در مورد مدیریت استرس برای آنان است. والدین می‌آموزند آرامش را حفظ کنند و تعاملات تأدیبی محرک و پرخاشگرانه با کودکانشان را در کنترل داشته باشند [لاچمن و ولز، ۱۹۹۶].

در یک نسخه‌ی پیشرفته از برنامه‌ی قدرت‌سازگاری، جزء سومی شامل مداخله‌ی آموزگار اضافه شده است. این جزء شامل ۵ نوبت دو ساعته‌ی ملاقات با آموزگار در حال خدمت است و مشاوره‌ی پایانداری انجام می‌پذیرد. معلمان، درباره‌ی برنامه‌ی قدرت‌سازگاری و این که





مشارکت

دوره سوم / شماره ۱ / نیم / پاییز ۱۳۸۶

برنامه تعامل داشتند [لاچمن و همکاران، ۱۹۸۴]. این موضوع نشان می‌دهد که مجموعه‌های اهداف رفتاری می‌تواند تعیین اثرات مداخله‌ی رفتاری - شناختی را افزایش دهد.

در مطالعه‌ی دیگری، اثرات برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، به وسیله‌ی نسخه‌ی ۱۸ جلسه‌ی از برنامه در مقایسه با نسخه‌ی ۱۲ جلسه‌ی اولیه [لاچمن، ۱۹۸۸] تقویت شد. در این مطالعه‌ی شده آزمایشی، ۲۲ بیمار پرخاشگر که به‌وسیله‌ی آموزگاران تشخیص داده شده بودند (۵۵ درصد آمریکایی، ۴۵ درصد قفقازی، با میانگین سنی ۱۰ سال و ۴ ماه)، نسخه‌ی ۱۸ جلسه‌ی از برنامه را دریافت کردند (با تأکید بیشتر بر دیدگاه‌گویی، نقش بازی کردن و مسئله‌گشایی درباره‌ی موفقیت‌های برانگیزنده‌ی خشم). این گروه با پسرنی که در مطالعه‌ی لاچمن و همکارانش (۱۹۸۴) برنامه‌ی ۱۲ جلسه‌ی را دریافت کرده بودند مقایسه شدند. در برنامه‌ی ۱۸ جلسه‌ی پسرن پرخاشگر پیشرفت معنادارتری را در رفتار تکلیف‌شده و کاهش بیشتری را در رفتار غیرتکلیفی منفعل نمایش دادند. این یافته، نیاز به دوره‌های طولانی‌تر مداخله را برای کودکانی که با مشکلات رفتاری بروز‌دهی مزمن روبه‌رو هستند، روشن می‌سازد.

اما در دو مطالعه‌ی مشاهده‌شده، تغییر برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، با افزودن پنج جلسه مؤلفه‌ی مشاوره‌ی معلم [لاچمن، ۱۹۸۹] مؤلفه‌ی تربیت خود آموزشی متمرکز بر وظایف آموزشی (لاچمن و کری، ۱۹۸۶) اثرات مداخله را افزایش نداد. لاچمن و همکارانش (۱۹۸۸)، وقتی به صورت تصادفی (۱۶ درصد قفقازی با میانگین سنی ۱۱ سال و هفت ماه) رفتار کلاسی کودکان در یک پی‌گیری هفت ماهه آزمودند، مشاهده کردند که پسرن AC به‌طور معناداری سطوح مشاهده‌شده‌ی

رفتار تکلیف‌شده به کودکان در کلاس درس همراه بود تمام کودکان آمریکایی، آفریقایی تبار بودند و در خانگی تک‌واحدی در محلات پایین شهر (با درآمد پایین) زندگی می‌کردند. دانش آموزان فارغ‌التحصیل دوبار در هفته و برای ۱۲ جلسه در مانگر را ملاقات کردند.

در مطالعه‌ی بعدی، ۷۶ پسر پرخاشگر به‌طور تصادفی به چهار گروه تقسیم شدند: کنار آمدن با خشم (AC)، تثبیت اهداف (GS)، کنار آمدن با خشم به علاوه تثبیت اهداف (AC+GS)، و کنار آمدن با خشم به علاوه کنترل غیر درمانی (UC). این پسرن که بر اساس فهرست ترجمه‌ی مطمان، پرخاشگر شناخته شده بودند، در پایه‌های چهارم تا ششم (سنی ۱۲-۹ سال) و ۵۲ درصد آمریکایی آفریقایی تبار و ۴۷ درصد قفقازی بودند.

آن‌ها را در یک برنامه‌ی گروهی کنار آمدن با خشم برای ۱۲ هفته مبتنی بر برنامه‌ی کنترل خشم اولیه، با جلسات هفتگی ۲۵-۳۰ دقیقه‌ی منظم شرکت دادند. گروه‌ها به‌طور همزمان به‌وسیله‌ی کارکنان پروژه‌ی دانشگاهی (روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و روان‌شناس کارآموز) و مشاوران مترسبه مستقر در هر مدرسه، هدایت می‌شدند.

تثبیت هدف، به‌عنوان شرایط درمانی حداقل، مفهوم‌سازی شده بود و شامل هفت جلسه‌ی گروهی بود، جایی که پسرن به‌طور هفتگی اهداف را برای رفتارهای کلاسی مرتب می‌کردند و تقویت‌های مشروطی را برای دستیابی به هدف دریافت می‌داشتند. در مقایسه با شرایط GS و UC، پسرن پرخاشگر در گروه‌ها AC+GS و AC رفتار پرخاشگرانه کمتری را بر اساس گزارش والدین، و میزان پایین‌تری از رفتار کلاسی مخرب داشتند و به داشتن سطوح بالاتری از عزت نفس پس از درمان متمایل بودند. به علاوه، پسرن گروه AC+GS به افزایش اثرات درمانی

ازادانه رفتار کلاسی بنون تکلیف را اصلاح کردند و رفتار بنون تکلیف انفعالی را کاهش دادند. در یک پی گیری سه ساله در مورد پسرانی که به طور متوسط ۱۵ ساله بودند پسرانی که آموزش برنامه‌ی کنار آمدن با خشم را دریافت کرده بودند (N=۱۲)، سطوح پایین تری از گرفتاری با مواد و ماریجوانا و درجرت پایین تری از مصرف الکل را بروز دادند و پیشرفت‌های خودشان را در عزت نفس و مهارت‌های مسئله گشایی حفظ کرده بودند (لاچمن، ۱۹۹۲).

این نتایج نشان دادند که برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، منافع درازمدت شناختی-اجتماعی و اثرات پیشگیری کننده‌ی مهم مصرف مواد را در نوجوانی به وجود آورده است.

مداخله‌ی تقویتی در سال‌های بعدی نیز، به پراکندگی کمتر اثرات درمانی روی رفتار مخرب - پرخاشگرانه‌ی آشکار کودکان منجر شد. پسران AC که کاهش عمده‌ی را در پرخاشگری درجه بندی شده به وسیله والدین در مطالعه‌ی لاچمن و همکارانش داشتند پسرانی بودند که ابتدا سطوح بالاتری از طرد همسالان را تجربه کرده بودند و نشانگان درونی ساخته‌ی بیشتری داشتند. مهارت‌های مسئله گشایی (لاچمن و همکاران، ۱۹۸۵)، متغیر بعدی و پیش بینی کننده‌ی ویژه‌ی از اثربخشی درمان بودند، زیرا بسیار محتمل بود پسران دارای ضعیف ترین مهارت‌های مسئله گشایی اجتماعی در موقعیت UC، سطوح بالاتری از رفتار پرخاشگرانه را تا پایان سال تحصیلی نشان دهند.

اثرات بر آیند برنامه‌ی قدرت سازگاری

برنامه‌ی قدرت سازگاری (لاچمن، ۱۹۸۹)، نسخه‌ی چند مؤلفه‌ای و مفصل تر از برنامه‌ی کنار آمدن با خشم است که به منظور افزایش اثرات بر آیند برنامه به وسیله‌ی آوردن مؤلفه‌ی مداخله‌ی والدین، و حفظ قوی تر منافع اضافه کاری از طریق طولانی تر کردن دوره‌ی مداخله به ۱۵ تا ۱۸ ماه طراحی شده است. اکنون چهار پروژه‌ی تحقیقاتی در حال پردازش آزمون کفایت برنامه‌ی قدرت سازگاری هستند و نتایج اولیه در دو مورد از این چهار مطالعه به دست آمده است.

در ابتدای مطالعه‌ی لاچمن و والز، ۱۸۳ پسر (۱۶ درصد آمریکایی آفریقایی تبار، ۹۳ درصد قفقازی) که میزان بالایی از پرخاشگری را طبق درجه بندی معلمان داشتند و در پایه‌ی چهارم یا پنجم بودند، به طور تصادفی به گروه‌های مؤلفه‌ی کودک، قدرت سازگاری در آموزشگاه یا به ترکیبی از برنامه‌ی قدرت سازگاری، شامل هم مؤلفه‌ی کودک و هم مؤلفه‌ی والدین، یا به یک موقعیت UC تقسیم شدند. مداخله بیش از دو سال تحصیلی رخ داد (پایه‌های چهارم و پنجم برای برخی کودکان، پایه‌های پنجم و ششم برای سایرین). تحلیل‌های برآیند نشان دادند که مداخله‌ی قدرت سازگاری در این مطالعه، میزان پایین تری از رفتار مجرمانه و مصرف مواد درجه بندی شده به وسیله‌ی والدین را در یک سال پیگیری، نسبت به نمونه‌ی کنترل سبب شده است. این اثرات مداخله، حداکثر وضوح را برای برنامه‌ی سازگاری کامل با مؤلفه‌های کودک و والدین داشت (لاچمن و والز، ۲۰۰۲).

در مطالعه‌ی ۲۲ پسر را (۱۳ درصد آمریکایی آفریقایی تبار و ۶۹ درصد قفقازی) با میانگین سنی ۱۱ سالگی، به گروه‌های AC، AC به علاوه مشاوره‌ی معلمان، یا به موقعیت UC (لاچمن و کری، ۱۹۸۶) تقسیم کردند.

در مطالعه‌ی دیگری، ۲۰ پسر پرخاشگر تشخیص داده شده به وسیله‌ی معلمان، ۵۰ درصد آمریکایی آفریقایی تبار، ۵۰ درصد قفقازی با میانگین سنی ۱۰ سال و سه ماه، را به گروه‌های AC یا AC به علاوه‌ی تعلیم خود آموزشی تقسیم کردند. در هر دو مطالعه، گروه‌های مبتنی بر آموزشگاه، ۱۸ جلسه را به پایان رساندند. پسران گروه AC، کاهش در پرخاشگری درجه بندی شده به وسیله‌ی والدین (پیشین)، کاهش در پرخاشگری درجه بندی شده به وسیله‌ی معلمان (لاچمن، ۱۹۸۹)، پیشرفت‌هایی در صلاحیت اجتماعی اداکار شده و عزت نفس (لاچمن و کری، ۱۹۸۶؛ لاچمن و همکاران، ۱۹۸۶) و کاهش را در رفتار کلاسی بنون تکلیف (لاچمن و کری، ۱۹۸۶؛ لاچمن و همکاران، ۱۹۸۶) نشان دادند. یافته‌های لاچمن و همکارانش (۱۹۸۹)، در مقایسه با موقعیت کنترل غیردرمانی اثبات مثبت اولیه را برای برنامه‌ی کنار آمدن با خشم که در مطالعه‌ی لاچمن (۱۹۸۴) و همکارانش مشهود بود، تکرار کردند.

در یک مطالعه‌ی در حال پیشرفت روی برنامه‌ی قدرت سازگاری، در حال بررسی این مطالب هستیم که اثرات برنامه‌ی قدرت سازگاری کدام‌اند. به این منظور، یک مداخله‌ی پیشگیری کننده که کودکان پرخاشگر با خطر بالا را نمایان می‌ساخت، به وسیله‌ی ترکیب مداخله‌ی نمایش داده شده با مداخله‌ی پیشگیری همگانی ارتقا داده شده (لاچمن و والز، ۲۰۰۲)، مداخله‌ی همگانی عبارت بود از پیشنهادی تصادفی برای نیمی از معلمان پایه‌ی پنجم و مرکب بود از آموزش حین خدمت برای آموزگاران و ملاقات‌های والدین در مقیاس وسیع برای تمام والدین



کودکان در تلاش‌های مناخه همگانی، نمودهای شامل ۲۲۵ دانش‌آموز پایه‌ی چهارم پرخاشگر (۶۶ درصد مذکر) ۱۳ درصد مؤنث، ۷۸ درصد آمریکایی آفریقایی تبار و ۲۰ درصد قفقازی) که به‌طور تصادفی در چهار موقعیت به این شرح تقسیم شدند: مناخه‌ی نشان داده شده + مناخه‌ی همگانی (II+UI)، مناخه‌ی نشان داده شده + کنترل همگانی (II+UC)، کنترل نشان داده شده + مناخه‌ی همگانی (IC+UC). مناخه، قبل از پایه‌ی پنجم شروع شد و تا نیمه‌ی پایه‌ی ششم ادامه پیدا کرد. تحلیل اثرات بعد از مناخه [لاچمن و ولز، ۲۰۰۲] مناخه را با موفقیت کنترل مقایسه کرد که نتایج نشان می‌دهد برنامه‌ی قدرت سازگاری ترکیب شده به‌علاوه UI، به درجات پایین‌تری از مصرف مواد خود گزارش شده درجه‌بندی پایین‌تر معلمان از پرخاشگری، صلاحیت اجتماعی ادراک شده، بالاتر، و پیشرفت‌های عمده‌تر رفتاری درجه‌بندی شده به‌وسیله‌ی معلمان انجمن‌ده است که ارزش برنامه‌ی قدرت سازگاری را با برنامه‌ی پیشگیری همگانی نشان می‌دهد. مناخه‌ی قدرت سازگاری، خود سبب درجات کاهش یافته‌ی از پرخاشگری پیش‌گستر و بسته به والدین، سطح فعالیت پایین‌تر توسط کودکان، پذیرش بهتر کودکان مورد هدف توسط همسالان براساس درجه‌بندی معلمان، و حمایتگری افزایش یافته والدین شده است. طی یک سال پی‌گیری مشخص شد تمام اجزای مناخه، کاهش در مصرف مواد و رفتار مجرمانه را در مقایسه با موفقیت کنترل تولید کردند و کاهش در رفتار مجرمانه بیشترین ظهور را برای کودکان داشت که هر دو مناخه را دریافت داشته بودند [لاچمن و ولز، ۲۰۰۱].

ارزیابی کلی برنامه‌های قدرت سازگاری و کنار آمدن با خشم

مجموعه‌ای از مطالعات پژوهشی نشان دادند که یک مناخه‌ی رفتاری شناختی مطابق گنسی والدین، معلمان، و درجه‌بندی مشاهده کننده‌ی مستقل، چنان‌چه از چارچوب کنار آمدن با خشم استفاده کند بعد از درمان می‌تواند اثرات فوری بر رفتار پرخاشگرانه‌ی کودکان در خانه و مدرسه داشته باشد. اندازه‌های اثر، غالباً در دامنه‌ی متوسط هستند و میانجی‌گرانی از قبیل: سطوح اولیه‌ی مهارت‌های مسئله گشایی و سطوح درآمد خانواده، می‌توانند بر اثرات مناخه روی برخی برایندها مؤثر باشند. همچنین نشان داده شد که همگی کودکان به این شکل از مناخه پاسخ نمی‌دهند. برنامه‌ی کنار آمدن با خشم می‌تواند اثرات پیشگیری کنتنجی بر مصرف مواد توسط کودکان، به میزان سه سال داشته باشد اما الحاقی جزء مناخه‌ی والدین برای داشتن اثرات بلند مدت بر رفتار مجرمانه‌ی کودکان، ضروری است. قوی‌ترین اثرات همچنین، تأثیر قوی آموزش ضمن خدمت معلم به عنوان یک مؤلفه‌ی الحاقی، به اثبات رسیده است. نتایج بر این تأکید دارند که این شکل از مناخه‌ی شناختی - رفتاری، نه فقط برای مقاصد درمانی کوتاه مدت بلکه برای پیشگیری بلندمدت می‌تواند مفید باشد و این که برنامه می‌تواند به‌طور مؤثری در مجموعه‌های آموزشی به عنوان یک برنامه‌ی «خدمات رسانی بسیار» تفسیر یابد.

موضوعات اجرایی

در ارزیابی دیگری، برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، از طریق یک طرح پیش‌آزمون - آزمون کنترل نشده، به‌وسیله‌ی کارکنان آموزشگاهی آموزش دیده به جای کارکنان توسعه دهنده آموزش دیده به اجرا درآمده، سنجیده شد. برنامه‌ی آموزش مرکب بود از سه روز کامل کارگاه آموزشی در بهار و تابستان، قبل از این که برنامه اجرا شود، ماهانه ۲ ساعت جلسات گروهی وسیع برگزار شد و در خلال اجرای برنامه، دو خط داغ تلفنی تمام ساعات هفته برای تمام روان‌شناسان و مشاوران در یک نظام آموزشگاهی پیشنهاد شده بود [لاچمن و همکاران، ۱۹۹۸].

۱۶۱ دانش‌آموز در ۳۱ گروه کنار آمدن با خشم، با حداقل داده‌های پیشین و پسین، با متوسط سن ۸/۹ و دامنه‌ی سنی از ۸ تا ۱۲ سالگی در این ارزیابی شرکت داشتند. ۱۵۰ نفر از این کودکان مذکر بودند و ۱۱ نفر مؤنث. ۸۱ نفر در موقعیت اقلیت نژادی بودند (آمریکایی آفریقایی تبار). ۶۲ درصد از کودکان ناهار مجانی یا با تخفیف، و ۴۱ درصد خدمات آموزشی ویژه دریافت کرده بودند. تحلیل پیش‌آزمون نشان داد که تغییراتی در درجه‌بندی معلمان از کفایت اجتماعی کودکان و در مهارت‌های مسئله گشایی اجتماعی کودکان، به همراه افزایش در اظهارات کلامی آن‌ها و مصالحه در مورد راه حل‌ها به وجود آمده است.

والدین گزارش دادند که رفتارهای مشکل‌زای درونی شده‌ی کودکان، در نتیجه‌ی مناخه کاهش یافت و درجه‌بندی معلمان نشان داد که از مشکلات توجهی و اجتماعی کودکان کاسته شد. معلمان گزارش دادند که ۸۵ درصد کودکان دست کم برخی کاهش‌ها را در رفتارهای مخرب و پرخاشگرانه نمایش دادند. همچنین بدلیل این که والدین کودکان را به عنوان کسانی که کاهش‌های معناداری در مشکلات توجه داشتند درجه‌بندی کردند، برنامه‌ی کنار آمدن با خشم، از کودکان در تمرکز بهتر بر توجهشان به راه‌های مناسب در خانه و مدرسه حمایت می‌کند. این تغییرات در کنترل توجهی، ممکن است تا اندازه‌ای در کاهش مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده میانجی شده باشد. بطوری که همبستگی معناداری بین این نمرات متفاوت مشاهده شده است.

پیشرفت تحصیلی کودکان، به‌وسیله‌ی یک اندازه‌گیری پیشرفت «state - created» ارزیابی شد. کودکان AC، طی یک سال پی‌گیری درجات پیشرفت سطح پایه‌شان در ریاضیات و خواندن ۱۲ درصد پیشرفت داشتند، و این پیشرفت به‌طور معناداری بالاتر از میزان پیشرفت در کل نظام در همان دوره بود. کودکان AC همچنین به‌طور معناداری، میزان پایین‌تری از افزایش را در وقفه‌ی آموزشی نشان دادند. به آن‌چه که برای سایر هم‌سن‌ها در این نظام آموزشی مشهود بود، بنا نهادند.

1. direct action
2. perspective taking
3. Achenbach
4. self-talk
5. outreach

